

کافه ها هم حرف می زنند

در کافه که نشسته باشید، توجهت بیشتر به آدم‌ها جلب می‌شود. هم بهتر می‌بینی‌شان و هم صدایشان را واضح‌تر می‌شنوید. کافه‌ها، دنیای شیک و خاصی دارند. صورت‌ها شاداب‌تر از خیابان‌ها هستند، چهره‌ها مرتب‌تر از خیابان‌ها هستند، قیافه‌ها پرانرژی‌تر از خیابان‌هاست. اما مثل خیابان‌ها، خبری از جنگ و دعوا نیست. آدم‌ها، محترمند. قابلِ مذاکره‌اند. اهلِ گفت‌وگو هستند. اهلِ شوخی و خنده و دورهمی.

انگار صدایِ آدم‌ها در کافه، پشتِ بلندگو است. حتی اگر میلی برای نشنیدن داشته باشید، می‌شنوید. حرف‌ها در حالتِ عادی برای دیگران احتمالا «چرت و پرت» باشد اما دقت که می‌کنید بخشی از زندگیِ خودت را دیگران روایت می‌کنند. آرزوهایت را زندگی کردند، زندگی‌ات را روایت کردند، روایتت را با بغض و ناله و غم تعریف کردند. آدم‌ها این‌جا برنده نمی‌شوند.

دو نسلِ زِد، از آن‌ها که حس می‌کنید سن‌شان به پانزده ساله‌ها هم نمی‌رسد با هم

